

« دعای ندبه »

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا رحمت خود را بر محمد (ص) و آل محمد (ص) بفرست

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه میبرم به خدا از شر شیطان رانده شده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ
اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرِطْتَ
عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِهِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا، وَزُخْرُفَهَا وَزُبُرِجَهَا، فَشَرِطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ
الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ، وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ
مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ

ستایش و سپاس مخصوص خداست که آفریننده جهانست و درود و تحیت کامل بر
سید ما و پیغمبر خدا، حضرت محمد مصطفی و آل اطهارش باد. پروردگارا ترا ستایش
میکنم برای هر چه (از بلا و نعمت و رنج و راحت) که در قضا و قدر تقدیر کردی بر
خاصان و محبانت، یعنی بر آنان که وجودشان را برای (شهود) حضرتت خالص و برای

(تبلیغ) دینت مخصوص گردانیدی. چون بزرگ نعیم باقی بی زوال ابدی را که نزد تست بر آنان اختیار کردی، بعد از آنکه زهد در مقامات و لذات و زیب و زیور دنیای دون را بر آنها شرط فرمودی. آنها هم بر این شرط متعهد شدند و تو هم می دانستی که به عهد خود وفا خواهند کرد. پس آنان را مقبول و مقرب درگاه خود فرمودی و علو ذکر، یعنی قرآن با بلندی نام و ثنای خاص و عام بر آنها از پیش عطا کردی و فرشتگان را بر آنها فرو فرستاده و با وحی خودت آنها را کرامت بخشیدی.

وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أُسْكِنَتْهُ جَنَّاتٍ
إِلَى أَنْ أُخْرِجَتْهُ مِنْهَا، وَبَعْضٌ حَمَلَتْهُ فِي فُلْكِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَاكِه
بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضٌ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَسَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، فَأَجَبْتَهُ وَ
جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيرًا،
وَبَعْضٌ أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ، وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلُّ شَرَعْتَ
لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ
إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ

و آنها را واسطه و وسیله دخول به رضوان و بهشت و رحمت خود گردانیدی. پس بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی. برخی را در کشتی نشانده، با هر کس ایمان آورده و در کشتی با او در آمده بود همه را از هلاکت، به رحمت خود نجات دادی. بعضی را به مقام خلّت خود برگزیده، درخواستش را که وی لسان صدق در اممّ آخر باشد (یا نبی و ولیّ حق در فرزندان

تا قیامت باقی ماند) اجابت کرده و به مقام بلند رسانیدی. بعضی را از شجره طور با وی تکلم کرده و برادرش را وزیر و معاون وی گردانیدی. بعضی را بدون پدر و تنها از مادر ایجاد کردی و به او معجزات عطا فرموده، او را به روح قدس الهی مؤید داشتی. و همه آن پیمبران را شریعت و طریقه و آیینی عطا کردی. و برای آنان وصی و جانشینی، برای آنکه یکی بعد از دیگری مستحفظ دین و نگهبان آیین و شریعت و حجت بر بندگان تو باشد از مدتی تا مدت معین، قرار دادی.

وَلَمَّا يُزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَهُ
إِلَيْنَا سَوْلاً مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَنَخْزِي،
إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا
أَنْتَ جَبْتَهُ، سَيِّدًا مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ
، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ،
وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بُرُوجِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ
إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ،

تا آنکه دین حق از قرارگاه خود خارج نشود و اهل باطل غلبه نکنند. و تا کسی نتواند گفت که: ای خدا چرا رسول به سوی ما نفرستادی که ما را از جانب تو به اندرز و نصیحت ارشاد کند؟ و چرا پیشوا و رهبری نگماشتی که ما از آیات و رسولانت پیروی کنیم پیش از آنکه به گمراهی و ذلت و خذلان در افتیم؟ لذا در هر دوره‌ای رسول فرستادی، تا آنکه امر رسالت به حبیب گرامیت محمد صلی الله علیه و آله منتهی

گردید. او چنانکه تو او را به رسالت برگزیدی سید و بزرگ خلاق بود و خاصه و خلاصه پیمیرانی که به رسالت انتخاب فرمودی و افضل از هر کس که برگزیده تست و گرامی تر از تمام رُسُلای که معتمد تو بودند. بدین جهت او را بر همه رسولانت مقدم داشتی و بر تمام بندگان از جن و انس مبعوث گردانیدی و شرق و غرب عالمت را زیر قدم فرمان رسالتش گستردی و براق را مسخر او فرمودی و روح پاک وی را به سوی آسمان خود به معراج بردی و علم گذشته و آینده، تا انقضاء خلقت را به او به ودیعت سپردی.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَ حَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأً صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَ جَعَلْتَهُ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، لِلَّذِي بَيَّكَّهُ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَ قُلْتِ: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، ثُمَّ جَعَلْتَهُ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتِ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا، إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ قُلْتِ: مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ

آنگاه او را به واسطه رعب و ترس دشمن از او، بر دشمنان مظفر و منصور گردانیدی و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان با اسم و رسم و مقام را گرداگردش فرستادی. و به او پیروزی دینش را بر تمام ادیان عالم به رغم مشرکان وعده فرمودی و این ظفر پس از آن بود که رسول اکرم را (بعد از هجرت) باز، تو او را با فتح و ظفر به خانه کعبه مکان

صدق اهل بیت باز گردانیدی و برای او و اهل بیتش، آن خانه مکه را اول بیت و نخستین خانه برای عبادت بندگان مقرر فرمودی. و (خاندانش را) وسیله هدایت عالمیان گردانیدی. این خانه آیات و نشانه‌های آشکار ایمان و مقام ابراهیم خلیل بود و محل امن و امان بر هر کس که در آن داخل می شد. و درباره خاندان رسول فرمودی:

البنه خدا از شما اهل بیت رسول هر رجس و ناپاکی را دور می سازد و کاملاً پاک و مبرا می گرداند. سپس مُزد محمد که درود تو بر او خاندانش باد؛ را دوستی آنان مقرر کردی و در کتاب خود فرمودی: بگو من از شما مُزدی نمی خواهم، الا مودت خویشانم. باز فرمودی: بگو همان اجر رسالتی را که خواستم؛ باز به نفع شما خواستم.

وَقُلْتُ: مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ، إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ
إِلَيْكَ، وَالْمَسْئَلَةَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِمَا وَالْأَهْمَا، هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأَ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ
مَوْلَاهُ فَعَلَيْتُ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَاوَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ
مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلَيْتُ أَمِيرُهُ، وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيُّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ
سَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هِرُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ
هِرُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَانَبِيٍّ بَعْدِي،

و باز فرمودی: بگو من از شما امتّ اجر رسالتی نمی خواهم، جز آنکه شما راه خدا را پیش گیرید. پس (می توان فهمید) اهل بیت رسول، طریق و رهبر به سوی تواند در راه بهشت رضوان تواند. و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت، وصی و

جانشین خود علی بن ابی طالب (صلوات الله علیهما وآلهما) را به هدایت امت برگماشت. چون او منذر و برای هر قوم هادی امت بود. پس رسول اکرم در حالی که امت همه در پیش بودند؛ فرمود: هر کس که من پیشوا و دوست و ولی او بودم؛ پس از من، علی مولا و امام و پیشوای او خواهد بود. بارالها دوست بدار هر که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن بدارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و خوار ساز هر که علی را خوار سازد. باز فرمود: هر کس من پیغمبر او هستم؛ علی امیر و فرماندار اوست. باز فرمود: من و علی هر دو شاخه‌های یک درختیم و سایرین از درختهای مختلفند. و پیغمبر علی را نسبت به خود، به مقام هارون نسبت به موسی نشانند؛ جز آنکه فرمود: پس از من پیغمبری نیست.

وَزَوْجُهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ
 إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبِهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ
 وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي،
 وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لِحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا
 خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتُنْجِزُ
 عِدَاتِي، وَشِيعَتِكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبَيَّضَةٌ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي،
 وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي،

باز رسول اکرم دختر گرامیش که سیده زنان عالم است، را به علی تزویج فرمود. باز حلال کرد بر علی آنچه بر خود پیغمبر حلال بود (از آنکه با حال جنابت تنها بر رسول و

علی به مسجد پیغمبر درآمدن حلال بود و بر غیرشان حرام). و باز تمام درهای منازل اصحاب را که به مسجد رسول باز بود، به حکم خدا بست غیر در خانه علی. آنگاه رسول اسرار علم و حکمتش را نزد علی به ودیعه گذاشت و فرمود: من شهر علم هستم و علی در آن شهر. پس هر که بخواهد در این مدینه علم و حکمت وارد شود، از درگاهش باید وارد گردد. آنگاه فرمود: تو برادر من، وصی من و وارث من هستی. گوشت و خون تو، گوشت و خون من است. صلح و جنگ با تو، صلح و جنگ با من است و ایمان چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده که با گوشت و خون من آمیخته‌اند. تو فردا جانشین من بر حوض کوثر خواهی بود و پس از من، تو اداء قرض من می کنی و وعده‌هایم را انجام خواهی داد. شیعیان تو در قیامت بر کرسیهای نور با روی سفید در بهشت ابد، اطراف من قرار گرفته‌اند و آنها همسایه من هستند. اگر تو یا علی بعد از من میان امت نبودی، اهل ایمان به مقام معرفت نمی رسیدند.

وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِّنَ الضَّلَالِ، وَ نُورًا مِّنَ الْعَمَى، وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ
 الْمُسْتَقِيمَ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبِهِ مِنْ مَنْقَبِهِ،
 يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّوَالِي، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ
 لَوْمَةٌ لَّكُمْ، قَدْ وَ تَرَفِيهِ صِنَادِيذَ الْعَرَبِ، وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَ نَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ
 قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا، بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ، فَأَصْبَبَتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَ أَكْبَتَتْ
 عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَ قَتَلَهُ أَشَقَى
 الْآخِرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوْلِينَ،

همانا علی بود که بعد از رسول اکرم؛ امت را از ضلالت و گمراهی و کفر و نابینایی، به مقام هدایت و بصیرت می رسانید. او حبل‌الله متین در راه مستقیم حق برای امت است. هیچ کس به قرابت با رسول، بر او سبقت نیافته و در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته. و نه کسی به او در مناقب و اوصاف کمال خواهد رسید. تنها قدم به قدم از پی رسول اکرم، علی راه پیمود که درود خدا بر هر دو و بر آل اطهارشان باد. و علی است که بر تأویل (و حقایق و مقاصد اصلی قرآن) جنگ می کند و در راه رضای خدا از ملامت و سرزنش بدگویان پاک ندارد. و در راه خدا، خونهای صنایع و گردنکشان عرب را به خاک ریخت و شجاعان و پهلوانانشان را به قتل رساند و سرکشان را مطیع و منقاد کرد. در نتیجه دل‌هایشان پر از حقد و کینه، از واقعه جنگ بدر و حنین و خیبر و غیره گردید و بازماندگان‌شان کینه علی را در دل گرفتند. و در اثر آن کینه پنهانی، بر دشمنی او قیام کردند و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند. تا آنکه ناگزیر او هم با عهد شکنان امت (طلحه و زبیر) و با ظالمان و ستمکاران (معاویه و یاران او) و با خوارج مرتد از دین در نهروان به قتال برخاست. و چون نوبت اجلش فرا رسید و شقی‌ترین خلق (اول و) آخر عالم؛ پیروی از شقی‌ترین خلق اول نمود.

لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ، وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَائِهِ الْحَقُّ فِيهِمْ، فَقَتِلَ مَنْ قَتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ، يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الطَّائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا،
فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادُونَ،

در نتیجه فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره هادیان خلق، یکی بعد از دیگری امتثال نکردند و امت همه کمر بر دشمنی آنها بستند و بر قطع رحم پیغمبر و دور کردن اولاد طاهرینش متفق شدند. جز قلیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد و رسول را رعایت کردند. تا آنکه به ظلم ستمکاران امت، گروهی را کشته و جمعی اسیر و فرقه‌ای هم دور از وطن خود شدند. و قلم قضا بر آنها جاری شد به چیزی که امید از آن، حسن ثواب و پاداش نیکو است. چون زمین ملک خداست و هر که از بندگان را بخواهد، وارث ملک زمین خواهد کرد و عاقبت نیک عالم با اهل تقوی است. و پروردگار ما از هر نقص و آرایش پاک و منزه است و وعده او قطعی و محقق الوقوع است و ابداً در وعده پروردگار خلاف نیست و در هر کار در کمال اقتدار و علم و حکمت است. پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی صلی الله علیهما وآلهما گریه کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند.

وَلِمَثَلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَصِحِّجِ الضَّاجُونَ، وَيَعِجُّ الْعَاجُونَ،
أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ،
أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرِ بَعْدَ الْخَيْرِ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟
أَيْنَ الْأَنْجُمُ الرَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ لَعْلَامُ الدِّينِ، وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُوا مِنَ الْعِثْرَةِ

الْهَادِيَةِ؟

و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند که [ای پروردگار] کجاست حسن بن علی؟ کجاست حسین بن علی؟ آن پاکان و راستگویان عالم کجايند آنها که یکی بعد از دیگری، رهبر راه خدا و برگزیده از خلق خدا بودند؟ کجا رفتند تابان خورشیدها؟ کجايند آن فروزان ماهها؟ کجا رفتند ستارگان درخشان؟ کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش؟ کجاست حضرت بقیه الله که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود؟

أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ؟ أَيْنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ
الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ الْمُدْخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟
أَيْنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ
الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَاءِ الشُّرْكِ وَالنِّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟
أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشُّفَاقِ؟

کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده؟ کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریهای اهل عالم را به راستی و اصلاح کند؟ کجاست آنکه امیدواریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ کجاست آنکه برای تجدید فرائض و سنن اسلام که محو و فراموش گردیده؛ ذخیره است؟ کجاست آنکه برای برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده؟ کجاست آنکه آرزومندیم کتاب و حدود آن را احیا سازد؟ کجاست آنکه دین، ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متعدیان را در هم می شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمانهای

شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست آنکه فسق و عصیان و طغیان را هلاک و نابود

می گرداند؟ کجاست آنکه برای کندن ریشه گمراهی و دشمنی مهیاست؟

أَيْنَ طَامِسُ أثارِ الرِّبِّغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قاطِعُ حَبَائِلِ الكِذْبِ وَالْإِفْتِراءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ العُتاهِ وَ

المَرَدَةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ العِنادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحادِ؟ أَيْنَ مُعزُّ الأَوْلِياءِ، وَمُذِلُّ الأَعْداءِ؟

أَيْنَ جَامِعُ الكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟ أَيْنَ بابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ

الأَوْلِياءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الأَرْضِ وَالسَّماءِ؟ أَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الفَتْحِ وَناشِرُ

رأيهِ الهُدَى؟ أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصِّلاحِ وَالرِّضاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الأنبياءِ وَأبناءِ الأنبياءِ؟

کجاست آنکه اندیشه باطل و هواهای نفسانی را نابود می سازد؟ کجاست آنکه

ریسمان دروغ و افتراء را قطع خواهد کرد؟ کجاست آنکه متکبران سرکش را هلاک و

نابود می گرداند؟ کجاست آنکه مردم ملحد، معاند و گمراه کننده را بیچاره کند؟

کجاست آنکه دوستان را عزیز و دشمنان را ذلیل خواهد کرد؟ کجاست آنکه مردم را بر

وحدت کلمه و تقوی مجتمع می سازد؟ کجاست باب الهی که از آن وارد می شوند؟

کجاست آن وجه الهی که دوستان به سوی او روی آوردند؟ کجاست آن وسیله که بین

آسمان و زمین پیوسته است؟ کجاست صاحب روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت در

عالم؟ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را خشنود می سازد؟ کجاست

آنکسی که از ظلم امت بر انبیاء و اولاد انبیاء دادخواهی می کند؟

أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ المَقْتُولِ بِكَرْبَلاءِ؟ أَيْنَ المَنْصُورُ عَلَى مَنْ اِعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرى؟ أَيْنَ

المُضْطَرُّ الَّذِي يُجابُ إِذا دَعى؟ أَيْنَ صَدْرُ الخَلائِقِ ذُو البِرِّ وَالتَّقْوَى؟ أَيْنَ ابنُ النَبِيِّ

المُصْطَفَى؟ وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى؟ وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّةِ؟ وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟ بِأَبِي أَنْتَ
وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقْفُ وَالْحِمَى، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ
، يَا ابْنَ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَذَّبِينَ

كجاست آنکه انتقام خون شهید کربلا را خواهد گرفت؟ کجاست آنکه خدا بر ستمکاران
و تهمت زندگان، او را پیروز می گرداند؟ کجاست آنکه دعای خلق پریشان را اجابت
می کند؟ کجاست آن بالاترین خلائق و صاحب نیکوکاری و تقوی؟ کجاست فرزند
پیغمبر محمد مصطفی؟ و فرزند علی مرتضی؟ و فرزند خدیجه بلند مقام؟ و فرزند
فاطمه زهرا بزرگترین زنان عالم؟ پدر و مادرم فدای تو؛ جانم نگهدار و حامی ذات پاک
تو باد ای فرزند بزرگان مقربان خدا. ای فرزند اصیل و شریف بزرگوارترین اهل عالم؛ ای
فرزند هادیان هدایت یافته؛ ای فرزند بهترین مردان مهذب؛

يَا ابْنَ الْغَطَارِفِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ الْخَضَارِمِ الْمُنتَجَبِينَ، يَا ابْنَ
الْقِمَاقِمِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُتَنِيرَةِ، يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ،
يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ،
يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ
الْمَشْهُودَةِ، يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ
عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ
الْبَاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا ابْنَ النُّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَا ابْنَ طِهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ،

ای فرزند مهتران شرافتمندان خلق؛ ای فرزند نیکوترین پاکان عالم؛ ای فرزند جوانمردان و برگزیدگان؛ ای فرزند گرامی‌تر مهتران؛ ای فرزند تابان ماه‌ها و فروزان چراغها و درخشان ستارگان؛ ای فرزند راههای روشن خدا؛ ای فرزند نشانهای آشکار حق؛ ای فرزند علوم (و معارف) کامل الهی؛ ای فرزند سنن و قوانین معروف آسمانی؛ ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است (در تمام کتب انبیاء و غیره)؛ ای فرزند معجزات محقق و موجود؛ ای فرزند راهنمایان آشکار و مشهود خلق؛ ای فرزند صراط مستقیم خدا؛ ای فرزند خیر عظیم؛ ای فرزند کسی که در امّ‌الکتاب (علم حق) نزد خدا علی و حکیم است؛ ای فرزند حجّتهای واضح الهی؛ ای فرزند ادلّه روشن حق؛ ای فرزند برهانهای واضح و آشکار خدا؛ ای فرزند حجّتهای بالغه الهی؛ ای فرزند نعمتهای عام الهی؛ ای فرزند طه و محکّمات قرآن

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَا بَنِي الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنِي مَنْ دَنَى فَتَدَلِّي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْعَلِيِّ، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرْتُ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أُرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرَى، أِبْرَضَوِي أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوًى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا،

و ای فرزند یاسین و ذاریات؛ ای فرزند سوره طور و عادیات؛ ای فرزند آنکه خداوند در حقش فرمود: دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی که نسبت به حضرت علی اعلاى الهی مقربترین مقام است. کاش می دانستم کجا دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت؟ آیا به کدام سرزمین اقامت داری؟ آیا به زمین رضوان یا غیر آن؛ یا به دیار

ذوطوی متمکن گردیده‌ای؟ بسیار سخت است بر من که خلق را همه بینم و ترا نبینم و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم بگوش من نرسد. بسیار سخت است بر من بواسطه فراق تو؛ و اینکه تو به تنهایی گرفتار باشی و ناله من نیز به حضرتت نرسد و شکوه به تو نتوانم. به جانم قسم که تو آن حقیقت پنهانی که دور از ما نیستی. به جانم قسم تو آن شخص جدا از مایی، که ابداً جدا نیستی.

بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ شَائِقٍ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ
لَا يُسَامِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَيْلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا تُضَاهِي
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مُؤَلَّيَ وَ إِلَيَّ مَتَى، وَ
أَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَ أَيَّ نَجْوَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ أُنَاغِي عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ
أُبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يُجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى

به جانم قسم که تو، همان آرزوی قلبی و مشتاق الیه مرد و زنِ اهل ایمانی که هر دلی از زیادت شوق او ناله می زند. به جانم قسم تو آن عزتی هستی که هم طرازی ندارد. به جانم قسم تو آن عظمتی هستی که هم قطاری ندارد. از آن نعمتهای خاص عالی خداوندی، که مثل و مانند نخواهد داشت. به جانم قسم که تو از آن خاندان عدالت و شرفی که احدی برابری با شما نتواند کرد. ای مولای من؛ تا کی در (انتظار) شما حیران و سرگردان باشیم؟ تا به کی و به چگونه خطابی درباره تو توصیف کنم و چگونه راز دل گویم؟ ای مولای من بر من بسی سخت است که پاسخ، از غیر تو یابم. سخت است بر من از تو بگویم و خلق تو را واگذارند. سخت و مشکل است بر من که بر تو ماجرای دیگری (غیبت ممتد) پیش آمد.

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَّةَ؟ هَلْ مِنْ جُرُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَرَعَهُ إِذَا خَلَا؟
 هَلْ قَدِيتُ عَيْنٌ فَسَاعَدْتُهَا عَيْنِي عَلَى الْقَذَى؟ هَلْ إِلَيْكَ يَا بِنَّ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؟ هَلْ يَتَّصِلُ
 يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ فَنَحْظِي؟ مَتَى نَرُدُّ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ
 طَالَ الصَّدَى؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنُقِرُّعَيْنًا؟ مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتِ
 لِيَا لِيَا النَّصْرُتِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتِ تَأْمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا؟

آیا کسی هست که مرا یاری کند تا بسی ناله فراق و فریاد و فغان طولانی از دل
 برکشم؟ کسی هست که جزع و زاری کند؟ آیا چشمی می‌گیرد تا چشم من هم با او
 مساعدت کند و زار زار بگیرد؟ ای پسر پیغمبر آیا به سوی تو راه ملاقاتی هست؟ آیا
 امروز به فردایی می‌رسد که به دیدار جمالت بهره مند شویم؟ آیا کی شود که بر
 جویبارهای رحمت درآییم و سیراب شویم؟ کی شود در چشمه آب زلال (ظهور) تو، ما
 غرقه شویم؛ که عطش ما طولانی گشت؟ **کی شود که ما با تو صبح و شام کنیم تا**
چشم ما به جمالت روشن شود؟ کی شود که تو ما را و ما تو را ببینیم، هنگامی که
پرچم نصرت و پیروزی در عالم برافراشته‌ای؟ آیا خواهیم دید که ما به گرد تو حلقه زده
و تو با سپاه تمام روی زمین را پر از عدل و داد کرده باشی؟

وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَجَحَدَهُ الْحَقُّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ،
 وَاجْتَثَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ
 الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، فَانْحِتْ يَا

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ. عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَآرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى
وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى،
اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ النَّائِقُونَ إِلَيْ وَليِّكَ، الْمَذْكُورِ بَكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا،
وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّْا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا،

و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی و سرکشان و کافران و منکران خدا را
نابود گردانی و ریشه متکبران عالم و ستمکاران جهان را از بیخ برکنی، تا با خاطر شاد
ما به الحمد لله رب العالمین لب برگشاییم. ای خدا تو برطرف کننده غم و اندوه
دلپایی، من از تو داد دل می خواهم که تویی دادخواه و تو خدای دنیا و آخرتی. باری
به داد ما برس ای فریادرس فریاد خواهان. بنده ضعیف بلا و ستم رسیده را دریاب و
سید او را برای او ظاهر گردان. ای خدای بسیار مقتدر و توانا؛ لطف کن و ما را به
ظهورش از غم و اندوه و سوز دل برهان و حرارت قلب ما را فرو نشان. ای خدایی که
بر عرش، استقرار ازلی داری و رجوع همه عالم به سوی تست و منتهی به حضرت
تست. ای خدا ما بندگان حقیرت، مشتاق ظهور ولی تویم که او یاد آور تو و رسول
تست. او را برای عصمت و نگهداری و پناه دین و ایمان ما آفریده ای و او را برانگیخته ای
تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد و او را برای اهل ایمان از ما بندگانت، امام و پیشوا
قرار دادی. پس تو از ما به آن حضرت سلام و تحیت برسان .

وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا، وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ
إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى نُورِدَ نَا جِنَانَكَ، وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَصَلُّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ
الْأَصْغَرَ، وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ،
وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتْمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ
وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلُّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ
لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ

و بدین واسطه مزید کرامت ما گردان و قرارگاه آن حضرت (آنچه باعث قرار و آرامش او می‌شود) را قرارگاه و آرام بخش شیعیان قرار ده و به واسطه پیشوایی او بر ما نعمت را تمام گردان. تا آن بزرگوار به هدایتش، ما را در بهشتهای تو داخل سازد و با شهیدان راه تو و دوستان خاص تو رفیق گرداند. ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و باز هم درود فرست بر محمد، جدّ امام زمان که رسول تو، سیّد و بزرگترین پیغمبران است و بر علی جدّ دیگرش که سیّد سلحشور حمله کننده در راه جهاد توست. و بر جدّه او صدیقه کبری فاطمه دختر حضرت محمد و بر آنان که تو برگزیدی از پدران نیکوکار او بر همه آنان و بر او فرست بهتر و کاملتر و پیوسته و دائمی و بیشتر و وافرترین درود و رحمتی که بر احدی از برگزیدگان و نیکان خلقت چنین رحمتی کامل عطا کردی. و باز رحمت و درود فرست بر او رحمتی که شمارش بی حدّ و انبساطش بی انتها و جاودانی و همچنین زمانش بی پایان باشد و تمام نگردد. **ای خدا به آن حضرت، دین حق را پاینده دار.**

وَأُدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ،

وَصَلِّهِ تُوَدِّي إِلَى مُرَافِقِهِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا
عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنِ عَلَيْنَا بِرِضَا،
وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاةَ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزًا عِنْدَكَ،
وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَانَا بِهِ مُسْتَجَابًا، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا
بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً،

و (بوسیله او) اهل باطل را محو و نابود ساز و دوستانت را با آن حضرت (به راه معرفت و سعادت) هدایت فرما و دشمنانت را به واسطه او ذلیل و خوار گردان. ای خدای منان ما او را پیوند و اتصالی کامل ده که منتهی شود به رفاقت ما با پدرانش (در دنیا و آخرت) و ما را از آن کسان قرار ده که چنگ به دامان آن بزرگواران زده است و در سایه آنان زیست می کنند. و ما را در اداء حقوق آن حضرت و جهد و کوشش در طاعتش و دوری از عصیانش یاری فرما. و بر ما به رضا و خشنودی آن حضرت منت گذار و رأفت و مهربانی و دعای خیر و برکت وجود مقدس را به ما موهبت فرما. تا بدین واسطه ما به رحمت واسعه و فوز سعادت نزد تو نائل شویم و به واسطه (توسل) به آن حضرت، نماز (و طاعات) ما را مقبول و گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز؛ و هم و غم ما را بواسطه او برطرف و کفایت فرما.

وَ حَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَّةً، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً
رَحِيمَةً، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ
جَدِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِغًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ.

و روزی های ما را به واسطه او وسیع و حاجتهای ما را برآورده گردان. و بر ما به وجه کریم (و رحمت با کرامت) اقبال و توجه فرما و تقرّب و توسل ما را به سوی خود پذیر و بر ما به رحمت و لطف نظر فرما تا ما بدان نظر لطف کرامت نزد تو را به حدّ کمال رسانیم. آنگاه دیگر هرگز نظر لطف را از ما به کرامت باز مگیر و ما را از حوض کوثر جدّ پیغمبر صلی الله علیه وآله به کاسه او و به دست او سیراب کن. سیرابی کامل گوارایی که بعد از آن سیراب شدن، دیگر تشنه نشویم ای مهربان ترین مهربانان.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لِقَاءَ الْفَرَجِ

نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ...اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ.

تنظیم شده توسط: وبلاگ غربت آشنا

www.yare-davazdahom12.blogfa.com

التماس دعا. ما را از دعای خیر خود بی بهره نگذارید. (دعایتان میکنیم دعایمان کنید.)